

## **Survey on the Effects of Rural Management style on the Sustainability of Rural settlements in Esfahan township**

**Sirus Ghanbari**

Assistant Professor, Geography and rural Planning, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

### **Abstract**

Environment potentials, provides the context for balanced creation patterns of human settlements' in geographic spaces. In this while, the people's disproportionate local migration and displacement, as a lasting durable issue, especially in irregular rural-urban migration, has drawn the attention of scholars, in various fields of humanities. This study, using an analytical way, and taking advantage of the resources available and questionnaires, has evaluated the impacts of rural management style, on the stability of rural settlements in the city of Esfahan. The statistics population, included the two hundred thousand villagers of Esfahan Township, among which 400 husbandmen were determined randomly, as the final sample size. According to Pearson correlation coefficient, there can be seen connections between the indexes and multiple management styles in villages. As, executive management of these villages, in terms of motivation, lies in the benevolent-authoritarian style (highly oriented towards consultative style); in terms of interaction-influence parameters, lies in the benevolent-authoritarian style (oriented towards consultative style); in terms of decision-making indexes, lies in the benevolent-authoritarian style; and in terms of administrative and training objectives, lies in the benevolent-authoritarian (somehow oriented towards consultative style). However, there is a direct relationship between management style and rural settlements sustainability, among township villages. Also, zero significance level (smaller than 0.01), indicates a significant correlation between two variables of management style and settlements' sustainability. Results show that like all top to bottom actions, little consideration has been made to villagers' engagement, and there has been only in the form of ordering-executive measures, resulting in abandonment and unstablitiy in the villages of Esfahan township, so that neither the development measures by the authorities have brought a sustain population, nor helping to prevent their abandonment.

**Keywords:** Rural management style , rural Settlements sustainability, Esfahan township.

فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)

سال هفتم، شماره اول، (پیاپی ۲۴)، بهار ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۹۶/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۹

صص: ۵۸-۴۱

## بررسی آثار سبک مدیریت روستایی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان اصفهان

سیروس قنبری

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

### چکیده

توانمندی‌های محیطی، بستر الگوهای استقرار متناسب سکونتگاه‌های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می‌کند. در این میان، مهاجرت و جابه‌جایی نامتناسب مکانی انسان‌ها موضوعی پایا به‌ویژه در مهاجرت‌های بی‌رویه روستا - شهری در رشته‌های گوناگون علوم انسانی است که توجه پژوهشگران را به خود معطوف کرده است. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و بهره‌گیری از منابع و اسناد موجود و پرسش‌نامه به بررسی آثار سبک مدیریت روستایی بر میزان پایداری سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان اصفهان پرداخته است. جامعه آماری، دویست هزار نفر از روستاییان شهرستان اصفهان است که به‌صورت تصادفی، ۴۰۰ نفر سرپرست خانوار برای حجم نمونه تعیین شد. با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، بین شاخص‌ها و سبک‌های چندگانه مدیریت در روستاها ارتباط دیده می‌شود؛ به طوری که مدیریت اجرایی این روستاها از نظر شاخص انگیزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و بسیار متمایل به سبک مشورتی، از نظر شاخص تعامل - نفوذ، سبک آمرانه - خیرخواهانه متمایل به سبک مشورتی، از نظر شاخص تصمیم‌گیری، سبک آمرانه - خیرخواهانه و از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و اندکی متمایل به سبک مشورتی است. از سویی ارتباطی مستقیم بین نوع سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی بین روستاهای شهرستان وجود دارد. همچنین سطح معنی‌داری صفر که کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، بیان‌کننده وجود همبستگی معنی‌دار بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها است. نتایج نشان می‌دهند همانند همه اقدامات بالا به پایین، توجه چندانی به مشارکت کردن افراد روستایی نبوده و تنها به‌صورت اقدامات دستوری - اجرایی انجام شده که این مسئله یکی از اسباب تخلیه و ناپایداری روستاهای شهرستان اصفهان بوده است که اقدامات توسعه‌ای از سوی مسئولان به پایداری جمعیتی منجر نشده و به تخلیه آن‌ها نیز کمک کرده است.

واژه‌های کلیدی: پایداری، سبک مدیریت روستایی، سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان اصفهان.

## مقدمه

روستاها به منزله مکان‌هایی ویژه با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت نسبت به شهرها، نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر روستاها هستند. الگوی جدید مدیریت روستایی در ایران می‌تواند در زمینه مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد - هزینه برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار و برقراری عدالت اجتماعی بررسی شود. یکی از کارهای ضروری در هر پژوهش، بررسی منابع مربوط به موضوع پژوهش است؛ زیرا سرچشمه علوم را می‌توان در پیشینه آن‌ها کاوش کرد (دمپی، ۲۰۰۶، ۲۵۳). مدیریت روستایی در واقع، فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی با ایجاد ارتباط هماهنگ بین سازمان‌ها و نهادهاست (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). روستاها نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها بوده‌اند که سازمان اجتماعی و مدیریت داشته‌اند؛ ولی مدیریت با مفهوم گسترده‌تر و متفاوت با آنچه که در حال حاضر به نام علم و بافت مدیریت تدریس می‌شود یا مطرح است (طالب، ۱۳۷۶: ۵). آثار تحولات جمعیتی و سبک مدیریت، در شناخت، شکل‌گیری، سازمان‌بندی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی اهمیت ویژه‌ای دارد. پراکندگی جمعیت را در فضای جغرافیایی از دو بعد می‌توان بررسی کرد؛ یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار جمعیت در نقاط روستایی و شهری که برای درک سازمان فضایی و الگوی استقرار جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی ضروری است (معزی، ۱۳۷۱: ۲۴). به علت گستردگی مهاجرت و سبک مدیریت برای روستاها، همه جوامع بشری به نحوی با چالش مهاجرت از روستا به شهر مواجه هستند (سجادپور، ۱۳۸۴: ۲۴). مهاجرت، یکی از چهار عامل اصلی ناپایداری در سکونتگاه‌های روستایی بوده است و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی بر سکونتگاه‌های انسانی، آثاری سریع و کوتاه‌مدت نیز بر تعداد و ساختار جمعیت داشته باشد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲). الگوی مهاجرت هریس - تودارو (۱۹۷۰) بیان می‌کند که مهاجرت از روستا به شهر، تابعی از اختلاف دستمزدهای انتظاری شهر و روستا است. رنيس (۱۹۹۷) مهاجرت از روستا به شهر را بررسی کرد و نشان داد اگر فرض شود میزان اشتغال جمعیت در صنایع شهری از رشد جمعیت تجاوز یابد و نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل شود، سطح بیکاری پنهان کاهش می‌یابد. گلد اسمیت و همکاران (۲۰۰۴) نتیجه گرفتند مهاجرت از روستا به شهر، تابعی مثبت از میزان درآمد سرانه شهری به درآمد سرانه روستایی است و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌تواند کاهش مهاجرت را از روستا به شهر باعث شود. تری (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان داد کاهش مالیات بر نیروی کار می‌تواند کاهش مهاجرت را از روستا به شهر باعث شود. بی‌تردید در فرایند تصمیم‌گیری برای مهاجرت، عوامل تأثیرگذار بر اشخاص و از مناطق گوناگون کاملاً متفاوت هستند؛ زیرا طیفی گسترده را از افراد و قشرها تشکیل می‌دهند که زمینه‌هایی متفاوت برای مهاجرت دارند (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۶۸). توانمندی‌های محیطی و سبک مدیریت، بستر الگوهای استقرار سکونتگاه‌های انسانی را در فضاها جغرافیایی فراهم می‌کند و ساختار فضایی هر مکان، تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است (Coats & Others, 1977: 238-259). بنابراین اگر قرار باشد در روستایی تغییرات موثر و پایدار به وجود آید، فرهنگ مدیریت آن روستا باید

دستخوش تغییر شود. بنابراین، مدیران روستایی با بهره‌گرفتن از سبک مدیریت متناسب می‌توانند خود را از بند راه‌حل‌های گذشته رها و راه‌حل‌های جدیدی برای روستا و پیشرفت آن فراهم کنند (Lau and Ngo, 2004: 685-703). به تدریج با شکل‌گیری انجمن عمران ده، در سال ۱۳۳۴ و انجمن ده، در سال ۱۳۳۵، مدیریت روستایی وارد مرحله جدیدی شد و با شخص کدخدا که نقش بازوی اجرایی را داشت، سیاست‌های توسعه روستایی اعمال می‌شد. پس از انقلاب اسلامی وظیفه مدیریت روستایی بر عهده شورای اسلامی روستا قرار گرفت که جایگزین انجمن ده شد؛ اما به مدت ۲۰ سال بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه داد. با تصویب قانون تاسیس دهیاری‌ها در سال ۱۳۷۷، دهیاری بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا شد و در نوک پیکان مدیریت روستایی قرار گرفت. ساختار مدیریت روستایی کنونی حاصل تصویب قانون «تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور» و به دنبال آن قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور است که وظیفه تصمیم‌گیری را بر عهده شورای اسلامی روستا و وظیفه اجرای مصوبات را بر عهده دهیاری‌ها قرار دادند (معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۷: ۵). بنابراین، مدیران روستایی با هدایت و ظرفیت‌سازی در جوامع روستایی می‌توانند به اجرای توسعه پایدار در روستاها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی اقدام کنند (Tenguay and others, 2010:407-418). مدیریت روستایی در سطح کلان به مفهوم اداره امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روستاها در ایران دگرگونی‌های بسیاری را در دوره‌های گذشته تجربه کرده است (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۴). این تحولات را می‌توان در پنج مرحله؛ تا پیش از مشروطیت، از مشروطیت تا جنگ جهانی دوم، از جنگ جهانی دوم تا اصلاحات ارضی، از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی و از انقلاب تاکنون بررسی کرد (طالب، ۱۳۷۶: ۵). پس از انقلاب اسلامی، خلاء مدیریتی موقتی در روستاها پیش آمد تا اینکه با تشکیل نهادهای جهاد سازندگی و بنیاد مسکن، زمینه ارتباط با روستاها پدید آمد؛ سپس در سال ۱۳۶۱ مدیریت روستایی به شوراهای اسلامی روستایی واگذار شد (افراخته، ۱۳۸۸: ۱۰۵)؛ در نتیجه، مشکلات مختلف مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی باعث شد که در سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور به وزارت کشور اجازه داده شود برای اداره امور روستاها، سازمان دهیاری را با توجه به موقعیت محل، با درخواست اهالی، به صورت خودکفا و با شخصیت حقوقی مستقل در روستاها تاسیس کند (امینی فسخودی و جمینی، ۱۳۹۳: ۱۸۰). یکی از مهم‌ترین دلایل موفق نبودن مدیریت محیطی، توجه نشدن به فعال کردن سرمایه‌های اجتماعی، توسعه منابع انسانی و توسعه مشارکت‌های جمعی و مردمی میان روستاییان و کشاورزان بوده است (امیرانی و ظریفیان، ۱۳۸۲: ۲۳). مدیریت توسعه روستایی، فرایندی چندجانبه است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی هستند (بهزاد نسب، ۱۳۸۶: ۸۹). موضوع اندیشه اداری، دانش مدیریت و به ویژه هدایت و رهبری، موضوعاتی هستند که با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده‌اند (حقیقی، ۱۳۷۸: ۵). با توجه به نظام مدیریتی روستاها در ایران، نوعی مدیریت ناقص یا شبه مدیریت وجود دارد که در آن همه جنبه‌ها و وظایف مدیریت اجرا نمی‌شود (عبداللهیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲۹). همچنین ساختار مدیریت جدید روستایی به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد که مبتنی بر مشارکت مردم در امور برنامه‌ریزی از پایین به بالا است، به دلایل متعدد از جمله بومی نشدن و مداخله گسترده دولت، به طور کامل نهادینه نشده است تا بتواند مشکلات روستاهای

امروزی را برطرف کند (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۹). اساساً نظام مدیریت روستایی کشور پس از اصلاحات ارضی، دستخوش تغییرات زیادی شد؛ نظام ارباب‌رعیتی دگرگون و نقش کدخدا در مدیریت روستایی کم‌رنگ‌تر شد (صادقی چم‌چنگی، ۱۳۸۰: ۵۴). در حال حاضر در بخش مدیریت روستایی، شوراهای اسلامی، نهادهای مدنی و منتخب از سوی مردم و دهیاری‌ها نیز، نهادهای مدیریتی برای پیشبرد امور عمرانی، خدماتی و امور جاری در روستاها به فعالیت مشغول هستند (صیدالی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴). اگر مدیریت، هنر انجام کارها توسط دیگران یا علم هماهنگی کوشش‌های اعضای سازمان و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین توصیف شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۷)، می‌توان بر پنج موضوع در این تعریف تأکید کرد: ۱- به انجام رسانیدن کار با دیگران؛ ۲- دستیابی به اهداف سازمانی؛ ۳- موازنه اثربخشی و کارایی؛ ۴- حداکثر استفاده از منابع محدود؛ ۵- سازگاری با محیط متغیر (Pandey, 2008: 1). مشکل اصلی مدیریت روستایی در ایران از یک سو مربوط به مجموعه قدرت حاکمیت، تمرکزگرایی و برنامه‌ریزی از بالا به پایین می‌شود و از سوی دیگر پیامدهایی همچون مشارکت نکردن مردم در مدیریت روستا، فقر گسترده، نابرابری و نبود تعادل‌های مکانی، وابستگی به حاکمیت، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بحران غذایی و مانند آن را در روستاها به وجود آورده است (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۹). به همین دلیل، تدبیر حکم می‌کند که متولیان مسئله توسعه روستایی، توجه و پرداختن به نهادهای محلی را وجهه همت خویش قرار دهند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۴). در روند رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه، توجه به عدالت اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر است (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). بنابراین، مدیریت، مهم‌ترین عامل در حیات، رشد، بالندگی یا مرگ جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می‌کند. مدیریت راهبردی بر فرایند هدایت برنامه‌های راهبردی و اطمینان از اجرای صحیح آن‌ها، برای اطمینان از موفقیت سازمان در بلندمدت دلالت دارد (الوانی، ۱۳۷۴: ۲۰۲). بنابراین، مدیریت راهبردی، خواهان یکپارچه کردن برنامه‌ریزی با سایر بخش‌های سازمان سازمان با راهبرد است (داوری و شانه‌ساززاده، ۱۳۸۰: ۷۹-۴۱). مدیریت راهبردی فرایندی ضابطه‌مند و سازمان‌یافته دارد. این فرایند مراحل ذیل را در بردارد:

۱- تجزیه و تحلیل محیطی شامل: الف) محیط عمومی؛ ب) محیط عملیاتی؛ ج) محیط داخلی؛ ۲- تنظیم جهت‌گیری‌های سازمانی؛ ۳- هدف‌گذاری؛ ۴- تعیین راهبردها؛ ۵- بسترسازی و اجرای راهبردها؛ ۶- کنترل راهبردها. کنترل راهبردها آخرین گام فرایند مدیریت است؛ راهبردی شامل نظارت و ارزیابی فرایند یاد شده به عنوان یک کل است و نقش تضمین‌بخشی را به عملکرد مناسب این فرایند برعهده دارد (داوری و شانه‌ساززاده، ۱۳۸۰: ۳۳). ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی در ایران یکی از پدیده‌های رایج در دوره کنونی است. با توجه به اهمیت وجود و پایدار بودن روستاها که از محافظان محیط‌زیست، ذخایر گرانبهای تولیدات دامی و کشاورزی، مدافعان سرزمین در برابر مهاجمان مرزی، توزیع‌کنندگان متناسب فضایی جمعیت و مانند آن هستند، ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی بحران‌های متعددی را از جوانب مختلف برای کشور به وجود آورده است که رسیدگی به این موضوع و دستیابی به دلایل آن ضروری است. در گسترش این ناپایداری، عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند که یکی از این عوامل، سبک مدیریتی و برنامه‌ریزی است که در تسریع یا کند کردن روند مهاجرت و ناپایداری سکونتگاه‌های

روستایی نقش داشته است. در این راستا پژوهش حاضر به تحلیل آثار مثبت یا منفی سبک مدیریتی و برنامه‌ریزی در روستاهای شهرستان اصفهان اقدام کرده است و به دنبال پاسخ به فرضیات ذیل است:

۱- سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص مدیریت، متمایل به سبک آمرانه - خیرخواهانه است؛

۲- به نظر می‌رسد، سبک مدیریت روستایی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص انگیزش با سبک آمرانه - خیرخواهانه مطابقت دارد؛

۳- سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تعامل - نفوذ، متمایل به سبک مشورتی است؛

۴- به نظر می‌رسد، سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تصمیم‌گیری با سبک آمرانه - خیرخواهانه مطابقت دارد؛

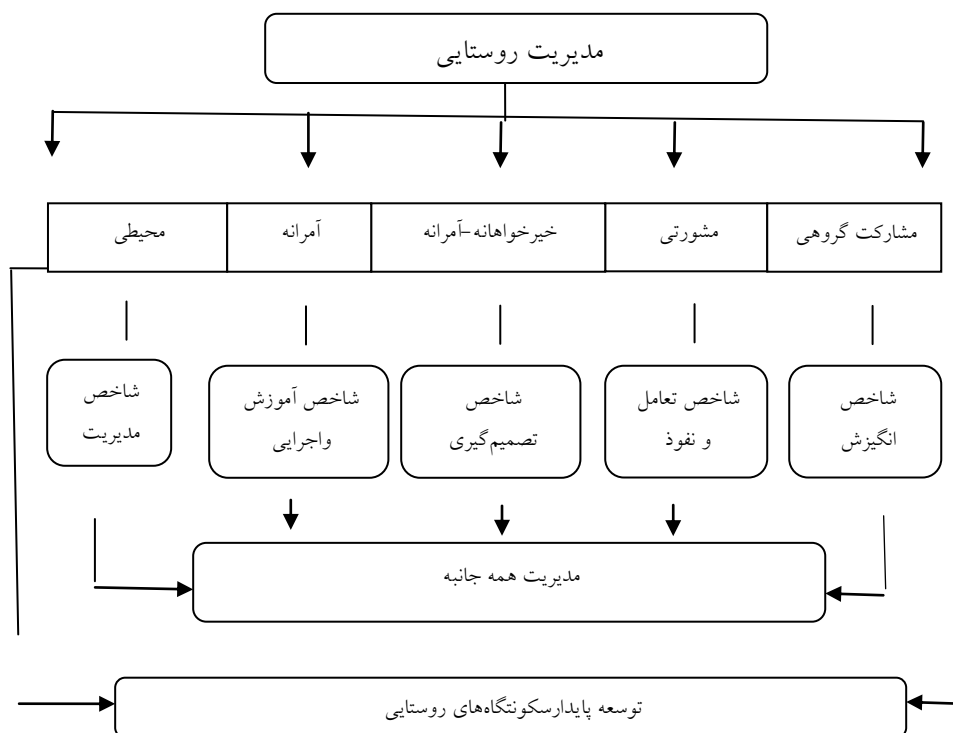
۵- سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان، از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزشی متمایل به سبک مشورتی است؛

۶- به نظر می‌رسد، بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد.

## مبانی نظری پژوهش

مدیریت روستایی را می‌توان برنامه‌ریزی برای روستا، سازمان‌دهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر کارهای انجام‌شده دانست (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۱۴). به عبارت دیگر، مدیریت روستایی را می‌توان علم تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و غیره در جامعه روستایی دانست (طالب، ۱۳۷۶: ۵). همچنین مدیریت روستایی از دوره پدرسالاری در اوایل قرن بیستم به دوره دولت‌گرا در اواسط قرن بیستم و به یک دوره جدید حکم‌روایی در قرن بیست و یکم متحول شده است (وودز، ۱۳۹۰: ۲۶۸). رشد اقتصادی، بهبود شرایط اجتماعی و حفاظت از ارزش‌های طبیعی، همه به‌طور یکسان از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار روستایی هستند که باید با رویکرد پایین به بالا و استفاده پایدار و مشارکتی از منابع محلی به دست آیند (Pugliese, 2001: 14). مدیریت، زیرساخت و برنامه، سه عنصر مهم مدیریت روستایی در دستیابی به اهداف اصلی آن یعنی کاهش چشمگیر مهاجرت‌های روستایی، از بین بردن شکاف اقتصادی - اجتماعی بین شهر و روستا، توسعه کشاورزی و کاهش فقر گسترده روستایی هستند (Sayahi kashi, 2004: 159). سه نظریه اساسی در مدیریت وجود دارند: ۱- نظریه مدیریت علمی؛ ۲- نظریه نئوکلاسیک؛ ۳- نظریه ساختارگرایی (پرهیزگار، ۱۳۷۳: ۷-۴). نبود مدیریت سازمان‌دهی شده توسعه روستایی از گذشته تا کنون و لزوم پرداختن به مقوله مدیریت نوین و علمی، محسوس است. ساختار کنونی مدیریت روستایی نیز با وجود برخورداری از نظم بیشتر نسبت به گذشته، باز هم دچار خلأ نظری است و با اینکه به نوعی از تجربیات گذشته سود برده است، همچنان مبتنی بر آزمون و خطا است (بدری، ۱۳۹۰: ۱۴۷). لهسای زاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "مدیریت روستایی در ایران معاصر"، به بررسی مدیریت روستایی در دوره‌های مختلف پرداخته و در نهایت، به این نتیجه رسیده است که حفظ نظم روستایی در ایران در

همه دوره‌ها، مشکلات ویژه خود را داشته است و در حال حاضر نیز روستاهای ایران با وجود داشتن نهادی رسمی برای مدیریت روستا، از یک خلاء مدیریتی رنج می‌برند. محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی بر موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی، پژوهش موردی دهستان لیشر شهرستان گچساران"، به بررسی موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در مدیریت روستایی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که سطح مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی، در وضعیت مناسبی نیست و میان ویژگی‌های فردی روستاییان و سطح توسعه یافتگی روستاهای منطقه با سطح مشارکت آنان، ارتباط معناداری وجود داشته است. صیدالی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه مدیریت در پیشبرد اهداف توسعه روستایی، پژوهش موردی روستای جوانمردی (شهرستان لردگان)"، نقش مدیریت روستایی را در این راستا روشن ساخته‌اند و به ارائه راهکارها و پیشنهادهاى اجرایی پرداخته‌اند. مولائی هشتجین و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل"، به تبیین توانمندی‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از عرصه سکونتگاه روستایی منطقه بررسی شده پرداخته‌اند و در نهایت، اقدامات راهبردی مربوط به برنامه‌ریزی برای ماندگاری جمعیت در روستاها را از دیدگاه شوراها بررسی کرده‌اند. رامانایدو (۲۰۱۱)، در پژوهشی نتیجه گرفت که فرهنگ سبک مدیریت کارا به‌طور مثبت با مدیر تحول‌آفرین و عملکرد کارکنان ارتباط دارد؛ همچنین مدیر تحول‌آفرین در ارتباط میان سبک مدیریتی و عملکرد کارکنان نقش میانجیگری دارد. درباره موضوع مهاجرت‌های روستایی، آسایش (۱۳۷۷) به پژوهش حرکات داخلی جمعیت ایران و مسئله مهاجرت روستایی پرداخت. نتایج به دست آمده از حرکات داخلی جمعیت در ۴۰ سال گذشته نشان داد که ۲ درصد بر نسبت مهاجران و جابه‌جایی جمعیت، داخل کشور اضافه شده که مربوط به مهاجرت روستاییان به شهرها است. ماهر (۱۳۷۵) به بررسی آثار سواد بر مهاجرت روستا به شهر پرداخت و نشان داد که از علل مهاجرت، سواد و سطح مهارت است. عظیمی (۱۳۸۱) نشان داد که مهاجرت از روستا به شهر، ضمن آنکه ناگزیر است، پدیده‌ای نامیمون نیست و برخلاف تصور رایج، با توسعه کشاورزی منافات ندارد، بلکه برعکس به آن کمک می‌کند. قاسمی سیانی (۱۳۸۸) به بررسی پیامدهای مهاجرت روستا - شهری نسل جوان روستایی پرداخته است. نتایج بیان‌کننده دو نوع پیامد بودند: ۱- پیامدهای مثبت مانند: بهبود وضعیت اقتصادی، افزایش آگاهی جوانان، آموزش بهتر، بهبود روابط اجتماعی و گذران اوقات فراغت جوانان؛ پیامدهای منفی مانند: قطع ارتباط جوان با خانواده خود در روستا و مسائل مرتبط با آن، برهم خوردن نسبت جنسی در روستاها و شهرها، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی در هر زمینه‌ای. شمس‌الدینی و گرجیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "عوامل موثر بر مهاجرت روستاییان به شهرها با تاکید بر شبکه مهاجرت، مورد پژوهش: دهستان رستم دو" پرداختند که نتایج، بیان‌کننده تأثیر عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و طبیعی بر مهاجرت روستاییان دهستان بودند. در این میان، حدود ۸۰ درصد از مهاجران بررسی شده، مهم‌ترین دلیل کوچ خود را عوامل اقتصادی از جمله جستجوی شغل و دستیابی به درآمد بیشتر بیان کرده‌اند.



شکل - ۱: الگوی مفهومی پژوهش

ترسیم: نگارنده ۱۳۹۵

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات با بررسی اسنادی - کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و پرسش‌نامه‌های تهیه‌شده با پژوهشگر انجام شد. پرسش‌نامه‌ها با پایایی ۰/۸۰۷ با آلفای کرونباخ و روایی سنجی از سوی چندین نفر از متخصصان دانشگاهی و براساس سبک‌های مدیریتی و رهبری لیکرت و همچنین ضریب همبستگی پیرسون تدوین و اجرا شد. در واقع پنج شاخص سازمانی در طیف لیکرت بررسی شد و با توجه به آن‌ها سبک مدیریتی روستاهای شهرستان اصفهان مشخص شد. جامعه آماری بررسی شده شامل جمعیت دویست هزار نفری روستاهای شهرستان اصفهان در سرشماری سال ۱۳۹۵ است که به صورت تصادفی از حجم نمونه ۴۰۰ نفری از سرپرستان خانوارها پرسش شد. پرسش‌های پرسش‌نامه‌ها، براساس ۴ سبک نشان‌داده‌شده در جدول (۱) ارزیابی شده‌اند.

جدول - ۱: درجه‌بندی چهار سبک مدیریت لیکرت

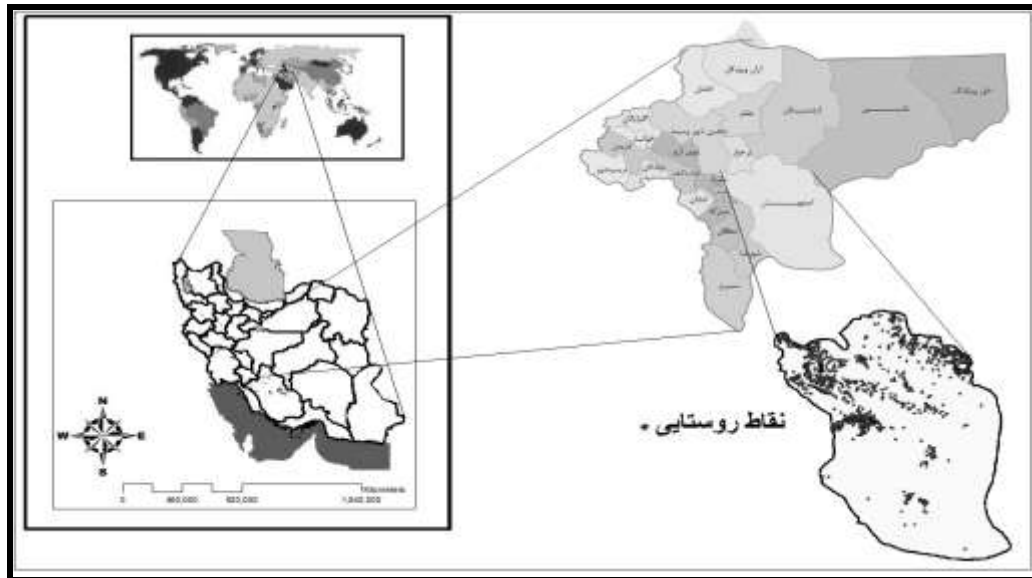
مشارکت گروهی	مشورتی	خیرخواهانه - آمرانه	آمرانه
۴	۳	۲	۱

منبع: میرکمالی، ۱۳۷۱: ۲۶



### موقعیت منطقه بررسی شده

شهرستان اصفهان در قسمت جنوب شرقی استان اصفهان واقع شده است. مرکز این شهرستان، شهر اصفهان است. این شهرستان از شمال با شهرستان‌های برخوار و اردستان، از شرق با شهرستان نائین، از جنوب با شهرستان شهرضا و از غرب با شهرستان‌های خمینی‌شهر، فلاورجان و مبارکه هم‌مرز است (شکل ۲).



شکل ۲- نقشه موقعیت روستاها در شهرستان اصفهان

باتوجه به جدول ۲ می‌توان تغییرات مساحت و جمعیت و ضریب شهرنشینی و روستانشینی را در استان اصفهان در یک دوره پنجاه‌ساله مشاهده کرد.

جدول ۲- تغییرات مساحت، جمعیت و ضریب شهرنشینی و روستانشینی در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۴۵ استان اصفهان

سال	جمعیت	مساحت	درصد شهرنشینی	درصد روستا نشینی
۱۳۴۵	۱۷۰۳۷۰۱	۱۵۱۷۹۹	۵۱/۴	۴۸/۶
۱۳۵۵	۱۹۶۹۹۶۵	۹۵۴۵۹	۶۳	۳۷
۱۳۶۵	۳۲۹۴۹۱۶	۱۰۷۰۲۹	۶۴/۱	۳۵/۹
۱۳۷۵	۳۹۲۳۲۵۵	۱۰۷۰۲۷	۷۴/۳	۲۵/۶۷
۱۳۸۵	۴۵۵۹۲۵۶	۱۰۷۰۲۷	۸۳/۳	۱۶/۷
۱۳۹۰	۴۸۷۹۳۱۲	۱۰۷۰۲۷	۸۵/۴	۱۴/۶
۱۳۹۵	۵۱۲۰۸۵۰	۱۰۷۰۲۷	۸۷/۵	۱۲/۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

جدول (۲)، تغییرات روستانشینی و شهرنشینی را در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که براساس آن از جمعیت روستاها کاسته شده و بر جمعیت شهری افزوده شده است. همچنین درصد شهرنشینی روند روبه‌افزایش داشته و روستانشینی روند نزولی پیدا کرده است.

### یافته‌های پژوهش

برای شناخت بهتر جامعه روستایی پژوهش شده ابتدا به ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان روستاهای شهرستان اصفهان پرداخته شده است (جدول ۳).

جدول ۳- اطلاعات توصیفی جامعه نمونه روستاییان شهرستان اصفهان به تفکیک سن

سن	تعداد	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۱۰۳	۲۶/۹
۳۱-۴۰ سال	۱۱۹	۳۶
بیشتر از ۴۰ سال	۱۰۲	۲۶/۳
بدون پاسخ	۷۶	۱۰/۹
کل	۴۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، تعداد روستاییان پاسخ‌دهنده به پرسش‌های پرسش‌نامه‌ها در بازه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با میزان ۳۶ درصد از کل پاسخ‌گویان، بیشترین درصد پاسخگویی را به صورت تصادفی داشته‌اند. در ادامه به بررسی و تحلیل فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود.

سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص مدیریت، متمایل به سبک آمرانه - خیرخواهانه است.

برای سنجش سبک مدیریت روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص مدیریت، طبق نظر لیکرت به بررسی چهار ویژگی (در چهار پرسش از پرسش‌نامه) پرداخته شده است (جدول ۴).

جدول ۴- سبک مدیریت از نظر شاخص مدیریت

شماره	محتوای پرسش	سبک ۱	سبک ۲	سبک ۳	سبک ۴	میانگین	سبک
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)		
۱	اعتماد مسئولان به اهالی	۷۱	۹۸	۱۴۳	۸۸	۰/۷۶	۳
		۹/۱	۳۴/۶	۳۷/۴	۱۸/۹	۲	
۲	اعتماد اهالی به مسئولان	۸۱	۱۱۳	۱۲۳	۸۳	۰/۶۱	۳
		۱۰/۳	۳۴/۸	۳۸/۹	۱۶	۲	
۳	رفتار حامیان مسئولان با اهالی	۸۴	۱۱۷	۱۲۳	۷۶	۰/۳۷	۳
		۱۹/۴	۳۸/۹	۲۶/۹	۱۴/۸	۲	
۴	امکان بحث آزادانه با مسئولان	۹۹	۹۸	۱۱۷	۸۶	۰/۴۳	۳
		۲۵/۱	۲۴/۶	۳۲	۱۸/۳	۲	

باتوجه به نتایج به دست آمده برای چهار ویژگی که در جدول بالا نام برده شد، به‌طور کلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان، سبک مدیریت روستایی خود را با میانگین ۲/۵۴، سبک سه لیکرت و بسیار متمایل به سبک دو لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص مدیریت، سبک مشورتی و بسیار متمایل به سبک آمرانه - خیرخواهانه است.

- به نظر می‌رسد، سبک مدیریت روستایی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص انگیزش، با سبک آمرانه - خیرخواهانه مطابقت دارد.

برای سنجش سبک مدیریت روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص انگیزش، طبق نظر لیکرت به بررسی هشت ویژگی (در هشت پرسش از پرسش‌نامه) پرداخته شده است. باتوجه‌به نتایج به دست آمده برای هشت ویژگی نام برده‌شده در جدول (۵)، به‌طورکلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص انگیزش روستایی، خود را با میانگین ۲/۴۸، مطابق با سبک دو لیکرت و بسیار متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی این روستاها از نظر شاخص انگیزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و بسیار متمایل به سبک مشورتی دارد.

جدول- ۵: سبک مدیریت از لحاظ شاخص انگیزش

شماره	محتوای پرسش	سبک ۱	سبک ۲	سبک ۳	سبک ۴	میانگین	سبک
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)		
۱	میزان ایجاد انگیزه در باقی‌ماندن روستاها	۱۲۰ ۴۱/۱	۱۰۵ ۳۲/۶	۸۵ ۲۰/۶	۹۰ ۵/۷	۱/۹۱	۲
۲	ایجاد انگیزه با تشویق از روش‌های مختلف	۱۳۹ ۴۷/۴	۱۱۶ ۳۴/۳	۸۰ ۱۳/۷	۶۵ ۴/۶	۱/۷۵	۲
۳	ایجاد انگیزه با برخی محدودیت‌ها	۷۰ ۴/۱	۷۸ ۱۳/۱	۱۰۷ ۲۹/۷	۱۴۵ ۵۳/۱	۳/۳۲	۴
۴	گرایش مطلوب اهالی به روستاها	۸۱ ۱۰	۱۳۸ ۴۹/۴	۱۱۶ ۳۰/۴	۶۵ ۱۰/۲	۲/۳۰	۲
۵	احساس مسئولیت سطوح پایین	۷۲ ۱۰/۳	۱۳۲ ۴۵/۷	۱۲۲ ۳۳/۱	۷۴ ۱۰/۹	۲/۴۵	۲
۶	گرایش همگرایانه اهالی به یکدیگر	۷۶ ۱۱/۴	۱۰۵ ۲۸	۱۳۵ ۴۵/۷	۸۴ ۱۴/۹	۲/۶۴	۳
۷	گرایش خصمانه اهالی نسبت به یکدیگر	۶۲ ۲/۹	۷۹ ۱۵/۴	۱۱۷ ۲۶/۳	۱۴۲ ۵۵/۴	۳/۳۴	۴
۸	رضایتمندی از عوامل	۹۶ ۲۳/۴	۱۴۴ ۵۰/۳	۹۲ ۱۸/۹	۶۸ ۷/۴	۲/۱۰	۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تعامل - نفوذ، متمایل به سبک مشورتی است.

برای سنجش سبک مدیریت روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص نفوذ، طبق طیف لیکرت به بررسی سه ویژگی (در سه پرسش از پرسش‌نامه) پرداخته شده است (جدول ۶).

جدول- ۶: سبک مدیریت از لحاظ شاخص تعامل - نفوذ

شماره	محتوای پرسش	سبک ۱	سبک ۲	سبک ۳	سبک ۴	میانگین	سبک
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)		
۱	میزان همکاری در کار گروهی	۸۳ ۱۵/۴	۱۱۶ ۳۴/۳	۱۱۹ ۳۶	۸۲ ۱۴/۳	۲/۴۹	۲
۲	میزان نفوذ اهالی	۹۵ ۱۸/۴	۱۱۵ ۳۵/۳	۱۱۸ ۳۵/۴	۷۲ ۱۰/۹	۲/۳۹	۲
۳	میزان نفوذ مسئولان	۹۸ ۲۲/۳	۱۱۵ ۳۴/۳	۱۱۳ ۳۳/۱	۷۴ ۱۰/۳	۲/۳۱	۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

باتوجه به نتایج به دست آمده برای سه ویژگی نام برده شده در جدول بالا، به طور کلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تعامل - نفوذ روستایی، خود را با میانگین ۲/۴۰ مطابق با سبک دو لیکرت و متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص تعامل - نفوذ، به سبک آمرانه - خیرخواهانه و متمایل به سبک مشورتی است؛ یعنی در این قسمت نیز نفوذ مسئولان، بدون توجه به مشورت و بهره گرفتن از اهالی بوده است؛ اگرچه هدف آن‌ها به طور کلی خیرخواهانه بوده است، ناخودآگاه، ناپایداری و ناهنجاری سکونتگاه‌های روستایی را سبب شده‌اند.

به نظر می‌رسد، سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تصمیم‌گیری با سبک آمرانه - خیرخواهانه مطابقت دارد.

برای سنجش سبک مدیریت روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تصمیم‌گیری، طبق طیف لیکرت به بررسی پنج ویژگی (طبق پنج پرسش از پرسش‌نامه) پرداخته شده است (جدول ۷).

جدول- ۷: سبک مدیریت از لحاظ شاخص تصمیم‌گیری

شماره	محتوای پرسش	سبک ۱	سبک ۲	سبک ۳	سبک ۴	میانگین	سبک
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)		
۱	میزان تصمیم‌گیری سطوح پایین	۱۳۴ ۴۷/۵	۱۱۹ ۳۳/۶	۸۳ ۱۲/۹	۶۴ ۶	۱/۶۸	۱
۲	وجود اطلاعات صحیح برای تصمیم‌گیری	۹۱ ۲۴	۱۲۰ ۴۹/۱	۹۴ ۲۴	۹۵ ۲/۹	۲/۰۶	۲
۳	آگاهی تصمیم‌گیران با مشکلات	۱۱۳ ۳۳/۷	۱۳۵ ۴۵/۷	۸۶ ۱۸/۹	۶۶ ۱/۷	۱/۸۹	۲
۴	استفاده از دانش فنی در تصمیم‌گیری	۹۵ ۲۴	۱۲۷ ۴۲/۹	۱۰۷ ۲۹/۱	۷۰ ۴	۲/۱۳	۲
۵	تصمیم‌گیری اهالی درباره کارشان	۱۰۶ ۲۹/۷	۱۳۰ ۴۳/۴	۹۲ ۲۱/۷	۷۲ ۵/۲	۲/۰۲	۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

باتوجه به نتایج به دست آمده از بررسی پنج ویژگی نام‌برده شده در جدول بالا، به‌طورکلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تصمیم‌گیری روستایی، خود را با میانگین ۱/۹۶، مطابق با دو سبک لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص تصمیم‌گیری، سبک آمرانه - خیرخواهانه دارد. سبک مدیریتی حاکم بر روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزشی، متمایل به سبک مشورتی است.

برای سنجش سبک مدیریت روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، طبق نظر لیکرت به بررسی سه ویژگی (در سه پرسش از پرسش‌نامه) پرداخته شده است (جدول ۸).

جدول- ۸: سبک مدیریت از لحاظ شاخص اهداف اجرایی و آموزش

شماره	محتوای پرسش	سبک ۱	سبک ۲	سبک ۳	سبک ۴	میانگین	سبک
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)		
۱	پیگیری اهداف اجرایی	۷۷ ۱۲	۱۱۴ ۳۳/۷	۱۲۴ ۳۸/۳	۸۵ ۱۶	۲/۵۸	۳
۲	بهره‌گیری از آموزش‌های لازم	۱۱۲ ۳۳/۷	۱۱۰ ۳۱/۴	۱۱۳ ۲۸	۶۵ ۱۶/۹	۲/۰۵	۲
۳	وجود منابع آموزشی مناسب	۱۰۱ ۲۶/۹	۱۲۰ ۳۸/۳	۱۱۶ ۲۶/۹	۶۳ ۸	۲/۱۶	۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

باتوجه به نتایج به دست آمده از بررسی سه ویژگی نام‌برده شده در جدول بالا، به‌طورکلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش روستایی، خود را با میانگین ۲/۲۷، مطابق با دو سبک لیکرت و اندکی متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، به سبک آمرانه - خیرخواهانه و اندکی متمایل به سبک مشورتی است. به نظر می‌رسد بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها همبستگی مثبت وجود دارد. برای پاسخ به این پرسش یعنی بررسی چگونگی ارتباط بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی، از آزمون همبستگی استفاده شده است و به دلیل اینکه هر دو متغیر، کمی هستند، آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است (جدول ۹).

جدول- ۹: ارتباط بین سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی شهرستان اصفهان

	سبک روستایی	پایداری سکونتگاه‌ها
سبک مدیریت	همبستگی پیرسون	۰/۷۱۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰
پایداری سکونتگاه‌ها	همبستگی پیرسون	۰/۷۱۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

همان‌طور که در جدول (۹) نشان داده شده است، در بررسی ارتباط بین سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها، ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۷۱۶ است. وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۷۱۶ نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است؛ به عبارت دیگر ارتباط مستقیمی بین میزان سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی در روستاهای شهرستان اصفهان وجود دارد. همچنین سطح معنی‌داری صفر که کوچکتر از ۰/۰۱ است بیان‌کننده همبستگی معنی‌دار بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها است. بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها همبستگی وجود دارد و آنچه براساس ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی دیده می‌شود، بیان‌کننده آن است که اگرچه اقدامات مدیریتی با هدف اصلاحی بوده است؛ به دلیل اینکه از سطوح بالا به پایین با دیدگاه تمرکزگرایانه بوده است و از اهالی در توسعه روستاها بهره‌چندانی گرفته نشده است، امکانات تخلیه هرچه بیشتر روستاها و نیز ناپایداری آن‌ها فراهم شده است.

### نتایج و تحلیل یافته‌ها

نخستین شاخص بررسی شده در پژوهش حاضر، شاخص مدیریت است. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل پرسش‌نامه‌ها می‌توان گفت اهالی روستاهای شهرستان اصفهان سبک مدیریت روستایی خود را با میانگین ۲/۵۴ درصد به سبک سه لیکرت و بسیار متمایل به سبک دو لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص مدیریت، سبک مشورتی و بسیار متمایل به سبک آمرانه - خیرخواهانه است که در واقع تنها قسمتی از روستاییان در آن نقش داشته‌اند و از مدیریت مشارکتی روستایی بهره گرفته شده است. دومین شاخص بررسی شده، میزان انگیزش اهالی روستا است که به‌طور کلی روستاییان شهرستان اصفهان از نظر شاخص انگیزش، با میانگین ۲/۴۸ درصد مطابق با سبک دو لیکرت و بسیار متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی شدند؛ یعنی مدیریت در این روستاها از نظر شاخص انگیزش، به سبک آمرانه-خیرخواهانه و بسیار متمایل به سبک مشورتی است. سومین شاخص بررسی شده، شاخص تعامل - نفوذ است که به‌طور کلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تعامل - نفوذ با میانگین ۲/۴۰ درصد مطابق با سبک دو لیکرت و متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی شده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص تعامل - نفوذ، به سبک آمرانه - خیرخواهانه و متمایل به سبک مشورتی است. شاخص چهارم درباره شاخص‌های بررسی شده، شاخص تصمیم‌گیری است که به‌طور کلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر شاخص تصمیم‌گیری با میانگین ۱/۹۶ درصد مطابق با دو سبک لیکرت ارزیابی شده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص تصمیم‌گیری، سبک آمرانه - خیرخواهانه است. شاخص پنجم در این بررسی، شاخص اهداف اجرایی و آموزش است که به‌طور کلی اهالی روستاهای شهرستان اصفهان از نظر این شاخص با میانگین ۲/۲۷ درصد مطابق با سبک دو لیکرت و اندکی متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی شده‌اند؛ یعنی مدیریت روستایی از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و اندکی متمایل به سبک مشورتی است. آخرین فرضیه بررسی شده در این پژوهش، بررسی ارتباط بین سبک مدیریت و پایداری

سکونتگاه‌های روستایی و مهاجرت است که در این بررسی ضریب همبستگی پیرسون برابر با  $0/716$  درصد است. وجود ضریب همبستگی به میزان  $0/716$  نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است؛ به عبارت دیگر ارتباط مستقیمی بین میزان سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی در منطقه پژوهش شده وجود دارد. همچنین سطح معنی‌داری صفر که کوچکتر از  $0/01$  درصد است، بیان‌کننده این مطلب است که همبستگی بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌ها معنی‌دار است. بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو متغیر سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی همبستگی وجود دارد. این نتایج با یافته‌های سایر پژوهشگران درباره نقش مدیریت در پایداری سکونتگاه‌های روستایی همخوانی و مشابهت‌هایی دارد؛ از جمله محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی بر موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی، در دهستان لیشر شهرستان گچساران"، به بررسی موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در مدیریت روستایی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سطح مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی در وضعیت مناسبی نیست و میان ویژگی‌های فردی روستاییان و سطح پایداری روستاهای منطقه با سطح مشارکت آنان ارتباط معناداری وجود داشته است. همچنین، مهم‌ترین مانع مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی از دید مردم و مسئولان، کمبود درآمد، شناسایی شد. مولائی هشتجین و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل"، به تبیین توانمندی‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از عرصه سکونتگاهی روستایی منطقه بررسی شده، با روش SWOT و دید یکپارچه پرداخته و در نهایت، اقدامات راهبردی مربوط به برنامه‌ریزی برای ماندگاری جمعیت را در روستاها از دیدگاه شوراهای بررسی کرده‌اند. همچنین صیدالی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه مدیریت در پیشبرد اهداف توسعه روستایی در روستای جوانمردی (شهرستان لردگان)"، ضمن تبیین جایگاه مدیریت نوین روستایی در ایران، به تحلیل این موضوع در منطقه مد نظر خود پرداخته‌اند و با بررسی فعالیت‌های انجام شده پس از تأسیس نهادهای شورای اسلامی و دهیاری، در ابعاد اجتماعی - اقتصادی، کالبدی - فیزیکی و خدمات عمومی با ارزیابی میزان رضایت ساکنان از فعالیت‌ها در سه بعد یاد شده، نقش مدیریت روستایی را در این روستا روشن ساخته و به ارائه راهکارها و پیشنهادها اجرایی پرداخته‌اند. بنابراین به‌طور کلی براساس یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های دیگران، در بیشتر گزینه‌های بررسی شده، نقش روستایی در توسعه روستاها چشمگیر نیست یا اصلاً وجود ندارد و همواره دستورات اجرایی، تصمیم‌گیری‌ها، قوانین و ... از بالا به پایین دیکته شده است و در فرایند برنامه‌ریزی، پژوهش‌های دقیقی انجام نشده است و اهالی، چندان درگیر طرح‌های توسعه نشده‌اند. هرچند در زمینه توسعه فیزیکی در روستاها در بیشتر مناطق با پیشرفت‌های چشمگیری در چند سال گذشته مواجه بوده‌ایم و در حال حاضر نیز هستیم و هدف نیز اصلاحی و خیرخواهانه بوده است، از آنجاکه دیدگاه‌ها سیستمی و فضایی نبوده و همواره به دنبال نتایج فوری بوده‌اند، از مشارکت روستاییان خبری نبوده است. بنابراین برای بهبود وضعیت روستاهای شهرستان اصفهان و جلوگیری از تخلیه و پایداری سکونتگاه‌های آن‌ها پیشنهادها زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- بهره‌گیری از متخصصان و برنامه‌ریزان محلی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه سکونتگاه‌های روستایی شهرستان؛
- ۲- استفاده از دیدگاه فضایی در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی همگام با نگاه سیستمی در شهرستان؛
- ۳- توجه هرچه بیشتر به موضوع‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در کنار توجه به فیزیک و کالبد روستاهای شهرستان؛
- ۴- توجه بسیار به مسئله مشارکت روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی؛
- ۵- برقراری مجموعه پایش، پالایش و نظارت بر برنامه‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان؛
- ۶- تلاش برای ایجاد اقتصادی بومی و مولد در روستاهای شهرستان اصفهان در راستای توسعه پایدار محلی.

## منابع

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۷) *حرکات داخلی جمعیت ایران و مسئله مهاجرت روستایی*، مجله جهاد کشاورزی، شماره ۲۱۰-۲۱۱، صص: ۳۳-۳۶.
- ۲- افتخاری رکن‌الدین، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید (۱۳۸۶) *نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تأثیرگذار*، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، تهران، صص: ۳۱-۱.
- ۳- افراخته، حسن (۱۳۸۸) *مدیریت روستایی با تاکید بر ایران*، انتشارات گنج هنر، چاپ اول، تهران، صص: ۱۶۴-۱.
- ۴- الوانی، مهدی (۱۳۷۴) *مدیریت عمومی*، نشر نی، چاپ اول، تهران، صص: ۳۹۲-۱.
- ۵- امیرانی، محمدهادی و ظریفیان، شاپور (۱۳۸۲) *نقش سازمان‌های غیردولتی در روند ترویج و توسعه روستایی*، ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۷، تهران، صص: ۳۴-۲۳.
- ۶- امینی فسخودی، عباس و جمینی، داوود (۱۳۹۳) *تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۱۳، صص: ۱۹۶-۱۷۷.
- ۷- بدری، سید علی (۱۳۹۰) *چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی*، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، تهران، صص: ۱۵۹-۱۴۷.
- ۸- بهزاد نسب، جانعلی (۱۳۸۶) *درآمدی بر فرهنگ جامع توسعه روستایی*، انتشارات قلمستان هنر، چاپ اول، تهران، صص: ۳۱۴-۱.
- ۹- پرهیزگار، کمال (۱۳۷۳) *تئوری مدیریت*، نشر دیدار، چاپ هفتم، تهران، صص: ۲۲۰-۱.
- ۱۰- حقیقی، محمد علی (۱۳۷۸)، *تئوری‌های مدیریت*، اصول، مبانی، فرایند، نشر نقش مهر، چاپ اول، تهران، صص: ۳۶۰-۱.



- ۱۱- داوری، دردانه و شانه‌ساززاده، محمدحسن (۱۳۸۰) مدیریت استراتژیک از تئوری تا عمل، انتشارات آتنا، چاپ اول، تهران، صص: ۳۹۰-۱.
- ۱۲- دربان آستانه، علی‌رضا (۱۳۸۹) مدیریت روستایی در برنامه چهارم، مجله دهیاری، سال سوم، شماره ۱۵، صص: ۲۲-۱۴.
- ۱۳- دمبی، یر و سیسیل، ویلیام (۲۰۰۶) تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران، صص: ۷۶۰-۱.
- ۱۴- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران، انتشارات قومس، چاپ دوم، تهران، صص: ۳۰۶-۱.
- ۱۵- زنجانی، حبیب اله (۱۳۸۰) مهاجرت، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، صص: ۲۲۶-۱.
- ۱۶- سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۸۴) چارچوب مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی مورد ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸، صص: ۳۰-۹.
- ۱۷- شمس‌الدینی، علی و گرجیان، پروین (۱۳۸۹) عوامل موثر در مهاجرت روستاییان به شهرها با تاکید بر شبکه مهاجرت مورد پژوهش: دهستان رستم دو، مجله چشم‌انداز جغرافیایی، سال پنجم، شماره ۱۱، صص: ۹۲-۷۵.
- ۱۸- صادقی چم‌چنگی، سلیمان (۱۳۸۰) نظام مدیریت روستایی و نقش مشارکت آن در اجرای طرح‌های عمرانی (پژوهش موردی بخش سامان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاتید راهنما: سید حسن حسینی و حسن بیک محمدی، دانشگاه اصفهان، صص: ۵۴.
- ۱۹- صامتی، مجید و کرمی، علیرضا (۱۳۸۳) بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور، مجله تحقیقات اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۴، تهران، صص: ۲۳۵-۲۱۳.
- ۲۰- صیدالی، محسن؛ صادقی، غلام و میرزایی گودرزی، زهرا (۱۳۹۰) جایگاه مدیریت در پیشبرد اهداف توسعه روستایی، پژوهش موردی: روستای جوانمردی (شهرستان لردگان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۲، صص: ۹۲-۷۹.
- ۲۱- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، صص: ۱۸۴-۱.
- ۲۲- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، تحلیل بر عوامل موثر در مهاجرت روستا - شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۶، شماره ۳، صص: ۹۳-۶۷.
- ۲۳- عبداللهیان، حمید؛ شریعتی، سیما و شوشتری زاده، الهام (۱۳۸۵) اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران براساس عوامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت در روستاهای ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت، تهران، صص: ۲۶۷-۲۲۷.
- ۲۴- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱) مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، صص: ۲۹-۱۶.

- ۲۵- فیروز نیا، قدیر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، سید علی (۱۳۸۹) **چشم‌انداز و نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران**، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، صص: ۲۴۰-۱.
- ۲۶- قاسمی سیانی، محمد (۱۳۸۸) **پیامدهای مهاجرت روستا - شهری نسل جوان روستایی**، مجله پژوهش جوان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، بهار و تابستان، صص: ۱۶۵-۱۴۵.
- ۲۷- کریمی، محمد (۱۳۸۶) **ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی: پژوهش موردی بخش کندوان شهرستان میانه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: محمد حسین پاپلی یزدی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده جغرافیا، گروه برنامه‌ریزی روستایی، ص: ۴۴.
- ۲۸- کلانتری، خلیل (۱۳۸۲) **پردازش داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی**، انتشارات شریف، چاپ اول، تهران، صص: ۳۹۲-۱.
- ۲۹- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸) **مدیریت روستایی در ایران معاصر**، مجله تعاون، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، صص: ۶۸-۴۹.
- ۳۰- ماهر، فرهاد (۱۳۷۵) **آثار سواد بر مهاجرت‌های روستا به شهر**، فصلنامه اقتصاد و توسعه، شماره ۶، صص: ۱۹۰-۲۰۳.
- ۳۱- محمدی یگانه، بهروز؛ عینالی، جمشید؛ چراغی، مهدی و فریحی، فرزانه (۱۳۹۲) **تحلیلی بر موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی**، پژوهش موردی دهستان لیستر شهرستان گچساران، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۶، شماره ۱، پیاپی ۸۳، صص: ۱۲۴-۱۰۹.
- ۳۲- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۵**.
- ۳۳- معاونت امور دهیاری‌ها (۱۳۸۷) **عملکرد معاونت امور دهیاری‌های کشور**، تهران، ص: ۵.
- ۳۴- معزی، اسدالله (۱۳۷۱) **مبانی جمعیت‌شناسی**، موسسه آوای نور، ص: ۲۴.
- ۳۵- مولائی هشتجین، نصرالله؛ آمار، تیمور و حاجعلی‌زاده، احمد (۱۳۹۳) **چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل**، فصلنامه جغرافیا، سال دوازدهم، شماره ۴۰، صص: ۷۳-۹۱.
- ۳۶- میرکمالی، محمد (۱۳۷۱) **انگیزش در سازمان‌های آموزشی**، مجله مدیریت روستایی، سال اول، شماره ۱، بهار ۲۴، صص: ۳۲-۲۲.
- ۳۷- وودز، مایکل (۱۳۹۰) **جغرافیای روستایی**، فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی، ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، صص: ۵۳۵-۱.
- 38- Coates, B. E., Johnston, R. J. and Knox, P. L. (1977) **Geography and inequality**, Oxford University Press, London, 56(2) pp.238-259.
- 39- Goldsmith, P. D., Gunjal, K. and Ndarishikanye, B. (2004) **Rural-urban migration and agriculture productivity: The case of Senegal**. Agricultural Economics 31(1): 33-45.

- 40- Harris, J. R. and Todaro, M. P. (1970) **Migration Unemployment and development: A two-sector analysis**. American Economic Review 60(1): 126-138.
- 41- Lau, C. and Ngo, H. (2004) **The HR system, organizational culture, and product innovation**. International Business Review 13(6): 685-703.
- 42- Pandey, D. P. (2008) **Rural project management**. Published by New age international, (P) Ltd. Publishers, New Delhi, (4) p: 1-230.
- 43- Pugliese, P. (2001) **Organic farming and sustainable rural development: a multifaceted and promising convergence**. Sociologia Ruralis 41(1): 112-130.
- 44- Ramanaidu, S. K. (2011) **Uncovering the relationship between transformational leadership, organizational culture, affective commitment and employee Performance: The case of a malaysian educational institution**, Doctoral dissertation, University of Newcastle. Faculty of business and law, Newcastle business school, 105(3): 128-142.
- 45- Ranis, G. (1997) **Rural-urban migration, surplus of labor**, Discussion paper, No 772 Yale university, US. Missouri, L.T, publisher, (3).pp:1-456.
- 46- Sayahi Kashi, J. (2004) **A country papers for Islamic Republic of Iran, In: Report of the APO (Asian Productivity Organization)**, Seminar on role of local communities and institution in integrated rural development, 15-20 June 2002 (ICD-SE-3-01), Tehran, Iran, p:159
- 47- Tenguay, G. A., Rajaonson, J., Lefebvre, J. F. and Lanoie, P. (2010) **Measuring the sustainability of cities: an analysis of the use of local indicators**. Journal of Ecological Indicators 10: 407-418.
- 48- Terry, L. and Roe Sirin, S. (2004) **Rural-urban migration and economic growth in developing countries**. 67(5). pp:133-166.